

## با برسمیت شناختن حق «گرایش جنسی» ،

### بابک مشتاق

### با «هوموفوبیا»مقابله کنیم

نظام شریعت اسلامی از ۱۴۰۰ سال قبل تا کنون ، قوانین شداد و غلاطی را علیه همجنس گرایان و کلا حریم خصوصی «گرایش جنسی» انسانها معمول داشته و برای زن و مرد همجنس گرا دارای الفاظ ، قوانین ومجازات ویژه ای بوده است . این برخوردتبعیض گرایانه و سرکوبگرانه که در ادبیات سیاسی زبان انگلیسی به « هوموفوبیا » معروف شده ، توسط رژیم ولایت فقیه ایران نیز پیگیرانه دنبال میشودکه بعضا گوشه هایی از ان در جراید کشور نیز منعکس میگردند . با الهام از همین روحیه هوموفوبیک دین اسلام است که طالبان افغانستان وحشی تر از رژیم اسلامی ، در برابر چشمان جهانیان ، انسانها را به صرف « لواط » به اشد مجازات محکوم می نمایند . برای نمونه در یک مورد خبرگزاریها گزارش نمودند که حکومت طالبان دو مرد را در قندهار به جرم رابطه جنسی با یکدیگر ، به مجازات مرگ انهم از نوع هول انگیز محکوم میکنند . همجنس گرایان مذکور در کناردیواری قرار داده شده و سپس با بولدوزر دیوار را بر سرشان خراب و انها را زنده بگور نمودند .

در ایران اما ظاهرا مجازات همجنس گرایان ( هوموسکشوالها ) و دو جنس گرایان ( بای سکشوالها) به شدت افغانستان نیست ، با این همه قوانین جمهوری اسلامی در مقابله با این بخش از حقوق فردی انسانهاصراحت تمام دارند و حتی در یک مورد مجازات عمل « لواط » مرگ است . در این رابطه علی اضغر حاج سیدجوادی در نشریه میهن ( شماره ۱۷ مورخ مهر ماه ۱۳۷۵ ) بخشهایی از « قانون مجازات اسلامی » جاری در ایران را بازگو میکند . ایشان از جمله یادآوری می نمایند که « در فصل حدود از قانون مذکور . در باب دوم ، رابطه جنسی مردان با یکدیگر تحت عنوان لواط و در باب سوم همجنس گرایی زنان با اندام تناسلی ، مساعقه مستوجب مجازات شدید هستند .»

در تعریف و موجبات « حد لواط » ماده ۱۰۸ قانون مجازات اسلامی رژیم ایران میگوید: « لواط وطی انسان مذکر است چه بصورت دخول باشد یا تفضیذ .

ماده ۱۱۹ \_ شهادت زنان به تنهایی یا به ضمیمه مرد ، لواط را ثابت نمیکند .

ماده ۱۲۱ \_ حد تفضیذ و تظاهر ان بین دو مرد بدون دخول برای هر یک صد تازیانه است . تبصره \_ در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است .

ماده ۱۲۳ \_ هر گاه دو مرد که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند ، بدون دلیل در زیر یک پوشش بطور برهنه قرار گیرند هر دو تا ۹۹ ضربه شلاق تعزیر می شوند «

بدین ترتیب حبس ، تحقیر ، شکنجه و در یک حالت حکم قتل ، عواقبی هستند که در ایران تحت حاکمیت استبداد مذهبی ، زندگی و حقوق همجنس گرایان را تهدید میکند .

شاید ما بعنوان انسانهای « استرایت » ( به معنای « جنس مخالف گرا » ) نخواهیم و دوست نداشته باشیم طریقی را که همجنس گرایان و دو جنس گرایان برای رفع نیازهای جنسی و عشقی اختیار میکنند ، بپسندیم اما مطلقا حق نداریم به این بهانه ، این بخش از انسانها را تحقیر و بدتر از ان مورد آزار و اذیت قرار دهیم .

جمهوری اسلامی ایران و کلا همه پیروان « اسلام ناب محمدی » در گوشه و کنار جهان ، در شرایطی به تعقیب و تنبیه همجنس گرایان مبادرت میورزند و شدید ترین سم پاشیهای هوموفوبیک را علیه حق گرایش جنسی انسانها براه می اندازند که خود در زمینه مسایل جنسی از عقب مانده ترین و کثیف ترین سنتها و روشهایپروی میکنند . این حضرات اگر چه سخت مخالف هوموسکشوالیسم هستند اما با پدوفیلیسم ( بچه بازی و رابطه جنسی با کودکان ) ، با تعدد زوجات ، با بر پایی حرمسرای خانگی با تکیه بر سنت صیغه و ازدواج موقت یا همان فحشای شرعی و اجاره موقت زنان و دختران برای سواستفاده جنسی ، مطلقا هیچگونه مخالفتی ندارند بلکه انرا حلال نیز می پندارند . اینان از یکطرف ازدواج مرد پنجاه ساله با دختر

بچگان ۹ ساله را شرعی می دانند و چنین جنایتی علیه حقوق کودکان را مورد مدافعه قرار میدهند اما در همان حال به « فساد و بی بندوباری » جهان غرب می تازند . حال آنکه همین کشورهای باصطلاح « فاسد » انقدر شرف دارند که اولاً مانع از ازدواج کودکان و نوجوانان شوند و ثانياً با سواستفاده از کودکان برای مقاصد جنسی و از جمله فیلمهای پورنوگرافیک مخالفت ورزند ، در این جوامع ، پدوفیلیسم جرم بزرگی محسوب می شود .

با این همه امروزه در غالب کشورهای پیشرفته نه تنها تبعیض و آزار هم جنس گرایان ممنوع است بلکه رسماً در قوانین اساسی و مدنی به حقوق فردی و اجتماعی آنها اشاره شده است . در امریکا بیش از یک دهه است که جامعه پزشکی این کشور ، همجنس گرایی را از لیست بیماریهای زوانی حذف کرده و داشتن یا نداشتن چنین گرایشی را جز نیازها و تمایلات فردی و شخصی انسانها دانسته است . بعلاوه همین سه سال پیش بود که بیل کلینتون تحت فشار نیروهای مترقی و مدافعین حقوق شهروندی ، مجبور شد که به حضور همجنس گرایان در ارتش جنبه قانونی ببخشد .

در بسیاری از کشورهای اروپایی نیز نه تنها اعمال تبعیضات شغلی و اجتماعی بر علیه همجنس گرایان ممنوع است بلکه بتدریج ازدواج آنها و مسایل جانبی دیگر برسمیت شناخته شده است و دیگر با نهاد خانواده به شکل سنتی تاکنونی برخورد نمیشود و جالب اینکه بر خلاف تبلیغات مغرضانه نهادهای مذهبی و، مردسالار و ارتجاعی ، همجنس گرایان و شاخه های دیگر مربوط به گرایش جنسی نظیر دوجنس گرایان و ترانس جندرها (در هر حال تغییر جنسیت ) عموماً همان نقشی را در جنبشهای اجتماعی ایفا میکنند که « هیپی ها » در دهه ۶۰ در مصاف با تجاوزات امپریالیستی و از جمله حمله به ویتنام ایفا مینمودند . یعنی در اکثر موارد در خدمت جنبشهای ترقیخواهانه ضد نژادپرستی ، برابری طلبانه ، سکولاریستی ، فمینیستی ، مدافع حقوق پناهندگی ، طرفدار محیطزیست و . . . هستند . به همین خاطر – و البته مهمتر از آن در دفاع بی قید و شرط از حق فردی و دمکراتیک گرایش جنسی – اکثریت قریب به اتفاق نیروهای چپ در کشورهای پیشرفته در برنامه ها و سیاستهای خود رسماً به دفاع از حقوق و مبارزات همجنس گرایان و مقابله با نیروهای راست و هوموفوبیک برخاسته اند . برای نمونه رجوع کنید به برنامه « انترناسیونال چهار » با عنوان « سوسیالیسم یا بربریت » که بوسیله رامین جوان بفارسی بر گردانده شده و توسط نشر بیدار بچاپ رسیده است .

در طیف ایرانیان خارج کشور نیز شاهد شکل گیری نهادهای همجنس گرا از سوئد و المان گرفته تا کانادا و امریکا هستیم . بخشی از این دوستان ، نشریه ای نیز بنام « هومان » منتشر میکنند . طبعاً اگر در ایران نیز خطر تعقیب و سرکوب وجود نداشت همجنس گرایان چه مرد ( گئی ) و چه زن ( لزبین ) قادر بودند با ایجاد نهادها و نشریات خویش به دفاع از حقوق فردی و اجتماعی شان برخیزند و ذهنیت مذهب زده و سنت گرای حاکم بر فرهنگ جامعه را به چالش بطلبند . ناگفته پیداست که بدلیل همین عقب ماندگی فرهنگی و ازجمله ضعف آگاهیهای جنسی ، روشنگری در میان مردم ، ظرافت های خاص خود را دارد و نباید به تحریک بی دلیل احساسات این بخش از مردم مبادرت ورزید . به هر حال نباید از یاد برد که جا افتادن حق گرایش جنسی در جوامعی نظیر ایران به زمان بستگی دارد ، کمالینکه دستاوردهای کنونی جوامع غربی نیز اسان بدست نیامده است .

بنابر ملاحظات فوق الذکر ، من به کنگره پنجم سازمان ما – و البته به همه نیروهای چپ و مترقی – پیشنهاد می کنم که گرایش و جنبش همجنس گرایی را برسمیت شناخته و از حقوق و مبارزات این بخش از انسانهای تحت ستم و تبعیض دفاع کرده و انرا به عنوان یک بند اعتقادی و برنامه ای به تصویب رسانند .

از آنجا که این گرایشات جنسی دارای بخشهای متفاوتی هستند ، لزومی به ذکر اسامی مختلف آنها در برنامه ما نیست و عبارت : « سکشوال اورینتیشن » یا « گرایش جنسی » حق مطلب را ادا میکند .

این اصلاحیه یا تکمله میتواند در بخش « سیاست » از برنامه سازمان ( صفحه ۱۶ بند پنجم ) وارد شود . که در این صورت بند مذکور بصورت زیر در خواهد آمد :

« \* برابری حقوق کلیه شهروندان در برابر قانون ، صرف نظر از جنسیت ، گرایش جنسی ، ملیت ، نژاد و اعتقادات

سیاسی . . . »

زننده باد برابری